

سؤالات چهارگزینه‌ای (۲ نمره)

۱- د ۲- ب ۳- ج ۴- الف

سؤالات تشریحی (۱۸ نمره)

۱- دو اصطلاح «الغاء» و «تعليق» را تعريف کرده، بيان کنيد هريک از مثال‌های زیر کدام‌یک از اين دو به شمار می‌آيد.  
(أ) علمتُ لزيدٍ قائمٌ : (ب) زيد علمت قائمٌ :

۱- «الغاء» عبارت است از ابطال جوازی عمل لفظاً و محلاً. (۱۷۵/)

۲- «تعليق» عبارت است از ابطال وجوبی عمل لفظاً و نه محلاً. (۱۷۵/)

(أ) تعليق (۲۵./) (ب) الغاء (۲۵./)

۲- در کلمات غير منصرف زیر، کدامیک از اسباب منع صرف به کار رفته است؟ (عجمه، منتهی الجموع، تأنيث، عدل، معرفه، الف و نون زائده، تركيب، وصفیت، وزن الفعل)  
(از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گوید)

(أ) سليمان : (ب) سكران : (ج) يزيد : (د) دراهم : (هـ) حُبلي : (و) بعلبک :

(أ) علمیت + عجمه (ب) وصفیت + الف و نون (ج) علمیت - وزن الفعل (د) جمع منتهی الجموع (هـ) تأنيث به الف (و) تركيب مزجي + علمیت  
(۴ مورد - هر کدام ۵/ نمره)

۳- در هريک از مثال‌های زیر کدامیک از شروط ساخت «افعل تفضيل» وجود ندارد.

(أ) دحرج (ب) مات (ج) نعم (د) عور

(أ) ثلاثی مجرد نیست (ب) قابل تفضيل نیست (ج) متصرف نیست (د) به معنی عيب است که از آن افعل وصفی ساخته می‌شود.

۴- نوع بدل را در نمونه‌های زیر مشخص کنید.

(أ) ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ﴾ : (ب) ضربته زيدا : (ج) ضربتُ زيدا رأسه : (د) حبيبي قمر شمس :

(أ) بدل اشتمال (ب) بدل كل از كل (ج) بدل بعض از كل / جزء از كل (د) بدل اضراب، يا بده

۵- فعل‌های مضارع در جملات زیر منصوب به «أن» مقدره هستند. سبب تقدیر «أن» را در هريك بنويسيد. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گوید)

(أ) «لَلْبُسِّ عِبَاءَةٌ وَتَقَرَّ عَيْنِي...» : (ب) ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ﴾ : (ج) أَسِيرٌ حَتَّى تَغْرُبَ الشَّمْسُ :  
(د) لَا تَأْكُلُ السَّمَكُ فَتَشْرَبَ اللَّبَنَ : (هـ) أَسَلَمْتُ لِأَدْخُلَ الْجَنَّةَ : (و) أَفَاتِلُكَ أَوْ تُسَلِّمَ :

(أ) عطف فعل مضارع به اسم صريح (ب) وقوع مضارع بعد از لام جحد

(ج) وقوع مضارع بعد از «حتى» به معنی «إلى» (د) وقوع مضارع بعد از «واو» به معنی «مع» پس از اشیاء سته (نهی)

(هـ) وقوع مضارع بعد از «لام» به معنی «کی» / تعليل (و) وقوع مضارع پس از «أو» به معنی «إلى أن» یا «إلا» (۴ مورد - هر کدام ۵/ نمره)

۶- تركيب کلمات مشخص شده در عبارات زیر را بنويسيد.

(أ) أَحْسِنُ بِزَيْدٍ : (ب) لَقِيْتُ زَيْدًا إِيَّاهُ : (ج) حَبَّذَا زَيْدٌ رَاكِبًا : (د) لَا تَكْفُرْ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ :  
(هـ) نَعَمَ الْمَرْأَةُ هُنْدٌ : (و) هَذَا زَيْدٌ الْحَسَنُ وَجِهًا : (ز) جَنَّتْ أَنَا وَزَيْدٌ : (ح) رَأَيْتُ زَيْدًا نَفْسَهُ :

(أ) فاعل / مفعول به (ب) تأکید لفظی (ج) فاعل «حب» (د) مجزوم به «إن» مقدر / مجزوم به شرط مقدر  
(هـ) مبتدای مؤخر / خبر برای مبتدای محذوف (و) تمیيز (ز) معطوف به «أنا» (ح) تأکید (هر کدام ۲۵/ نمره)

۷- «اسم الفاعلِ إِنْ كَانَ صِلَةً لـ«ال» عَمِلَ مُطْلَقًا... وَلَا يَعْمَلُ بِمَعْنَى الْمَاضِي خِلَافًا لِلْكَسَائِي؛ وَكَلْبُهُمْ بِأَسْطٍ ذِرَاعِيهِ بِالْوَصِيدِ حِكَايَةٌ حَالٍ مَاضِيَةٌ».

(أ) با توجه به متن، مقصود از قيد «مطلقاً» چیست؟ (ب) عبارت «حكايت حال ماضی» را توضیح دهید؟

(أ) مراد از مطلقاً این است که اگر اسم فاعل صله برای «ال» باشد بدون هیچ شرطی عمل می‌کند (خواه اسم فاعل به معنای ماضی باشد یا مضارع) (۱)

(ب) حکایت حال ماضی عبارت است از اینکه قرآن داستان اصحاب کهف را ذکر نموده همانند اینکه هم اکنون اصحاب کهف وجود دارند. (۱)

۸- نوع جملات مشخص شده را بنویسید (حالیه، مستأنفه، ...). و تعیین کنید که آیا محلی از اعراب دارند یا ندارند؟

- (أ) ﴿لَمْ تُوذُوْنِيْ وَوَقَدْ تَعْلَمُوْنَ اَنْنِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ﴾ :  
(ب) ﴿اِنَّ مَثَلَ عِيْسٰى عِنْدَ اللّٰهِ كَمَثَلِ اٰدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ﴾ :  
(ج) ﴿مَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَاَلَا هَادِيَ لَهٗ﴾ :  
(د) ﴿يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اذْكُرْ نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اَلَمْ يَرْسَلْ لَكُمْ رَسُوْلًا مِّنْ اَنْفُسِكُمْ يَتْلُوْا عَلَيْكُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ﴾ :

(أ) جمله حالیه/ محل اعراب دارد  
(ب) جمله تفسیریه/ محل از اعراب ندارد  
(ج) جمله جواب شرط جازم/ محل از اعراب دارد  
(د) جمله جواب قسم/ محل از اعراب ندارد

۹- «بل» حرف عطف و تقييد بعد الإنبات صرف الخكم عن المعطوف عليه إلى المعطوف، وبعد التهي والنفی تقریر حکم الأول وإنبات ضده للثاني». با توجه به متن، دو معنی

«بل» در هر یک از کلام مثبت و منفی را با استفاده از مثال‌های زیر توضیح دهید؟

- (أ) جاء زيدٌ بل عمروٌ :  
(ب) لا تضربُ زيداً بل عمراً :

- (أ) معنی «بل» در جمله مثبت: حکم «آمدن» از معطوف علیه «زید» به معطوف «عمرو» نقل داده می‌شود/ منتقل می‌شود، و آن حکم برای معطوف ثابت می‌شود. (۱)  
(ب) معنی «بل» در جمله منفی: معطوف علیه «زید» در حکم خود «عدم ضرب» باقی است، و ضد آن «ضرب» برای معطوف «عمرو» ثابت می‌گردد. (۱)